



انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

۱۷۷



زندگینامه
و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم استاد

محمد باقر الفت

ادیب، شاعر، عارف و متنوی پشرو

بسم الله الرحمن الرحيم

زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد محمدباقر الفت

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

عنوان و نام پدیدآور	: زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد محمدباقر الفت / انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران؛ زیر نظر کاوه خورابه؛ تهیه و تنظیم مقالات نادره جلالی؛ ویراستار ولی‌الله محمدی.
مشخصات نشر	: تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۳۲۵ ص: مصور (رنگی): ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
فروست	: سلسله انتشارات و مجموعه زندگی‌نامه‌ها؛ ۶۵۱/۱۷۷
شابک	: 978-964-528-265-1
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع	: الفت اصفهانی، محمدباقر، ۱۲۶۲ - ۱۳۴۳.
موضوع	: شاعران ایرانی -- قرن ۱۴ -- سرگذشتنامه
موضوع	: Poets, Persian -- 20th century -- Biography
شناسه افزوده	: خورابه، کاوه، ۱۳۵۶ -
شناسه افزوده	: جلالی، نادره، ۱۳۴۶ -
شناسه افزوده	: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
شناسه افزوده	: Anjuman-i Asar va Mafakhir-i Farhangi
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۷ ز ۹ / ۷۹۵۳ PIR
رده بندی دیویی	: ۸۱۶ / ۱/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۳۰۴۴۳۳

زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی

استاد محمد باقر الفت



تهران - ۱۳۹۷

سلسله انتشارات و مجموعه زندگی نامه‌ها

۶۵۱/۱۷۷

زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی

استاد محمدباقر الفت

زیر نظر: کاوه خورابه

● تهیه و تنظیم مقالات: دکتر نادره جلالی ● ویراستار: ولی الله محمدی	
● ناظر فنی چاپ: کیانوش بیرون‌وند ● حروفچین: منور سعیدی، طیبه باقری، زیبا آقا زاده	
● صفحه‌آرا: علی اکبر حکم‌آبادی ● طراح جلد: گلی شهبازی	
● نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷ ● لیتوگرافی چاپ و صحافی: فرشویه	
● قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان ● شابک: ۱-۲۶۵-۵۲۸-۹۶۴-۹۷۸	
● شمارگان: ۵۰۰ جلد ● همه حقوق چاپ برای ناشر محفوظ است.	



خیابان ولی عصر (عج)، پل امیربهادر، خیابان سرلشکر بشیری،
شماره ۷۱، تلفن: ۵۵۳۷۴۵۳۱-۳

دفتر فروش: خیابان انقلاب، بین خیابان ابوریحان و خیابان دانشگاه،
ساختمان ورودین، طبقه چهارم، واحد ۱۴، تلفن: ۶۶۴۰۹۱۰۱

www.anjom.ir

Info@anjom.ir

فهرست مطالب

هفت منزل الفت.....	۷
حسن بلخاری قهی	

بخش اول: شرح احوال و آثار

به یاد علامه فقید شادروان محمدباقر الفت.....	۱۹
بدرالدین کتابی	

نابغه قرن اخیر اصفهان.....	۸۱
محمد مهریار	

رثاییه‌ها.....	۹۹
----------------	----

معرفی آثار محمدباقر الفت.....	۱۰۳
-------------------------------	-----

الفت از دیدگاه دانشوران و صاحب نظران.....	۱۲۹
---	-----

بخش دوم: گزیده مقالات مرحوم الفت

چند نامه به استاد سعید نفیسی در مورد «شیخ بهایی».....	۱۵۱
---	-----

- تاریخ حزین..... ۱۶۱
- شرح یک بلوای خونین در اصفهان..... ۱۷۵
- نمونه‌هایی از سروده‌های مرحوم الفت..... ۱۸۷

بخش سوم: مقالات اهدایی

- تقدیر و سرنوشت..... ۱۹۷
ایرج شهبازی
- پای ملخی به درگاه سلیمان..... ۲۳۳
مصطفی کاویانی
- افت؛ مولوی مجسم زمان خود..... ۲۴۵
محمد موقتیان
- هفت شهر عشق..... ۲۵۵
حمید یزدان‌پرست
- سال‌شمار..... ۲۸۵
- تصاویر..... ۲۸۷
- تاریخ بزرگداشت‌ها و فهرست زندگینامه‌ها..... ۳۰۹

هفت منزل الفت (شرح داستان تمثیلی هفت برادر)

حسن بلخاری قهی*

مرحوم محمدباقر الفت (۱۳۰۱-۱۳۸۴ق) از عالمان و عارفان اصفهانی است که صاحب آثار متعدد در حوزه عرفان و اندیشه است. وی در خانواده‌ای روحانی متولد گردید و به واسطه نام جدش، یعنی حاج شیخ محمدباقر (صاحب حاشیه بر معالم و ریاست دینی شهر اصفهان) محمدباقر نامیده شد. مهم‌ترین دوره تحصیلی خود را در نجف گذراند و نزد عالمان و فقیهان بزرگی چون آخوند ملامحمدکاظم خراسانی (معروف به آخوند خراسانی و مؤلف کفایه/الاصول)، شیخ الشریعه اصفهانی، شیخ باقر اصطهباناتی و ضیاءالدین عراقی تعلیم دید. مدت اقامت وی در عراق ۹ سال به طول انجامید و در این مدت دو اثر مهم نگاشت و این به علاوه اجازات روایتی بود که از حاج میرزا خلیل، آقا سیدحسن صدر و شیخ محمدباقر اصطهباناتی در بیان روایات امامان شیعه دریافت کرد. از جمله آثار مهم او،

* استاد دانشگاه تهران و رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

مجمع‌الاجازات و منبع‌الافادات است که در دو مجلد (به تحقیق مهدی‌الرضوی به اهتمام دارالتراث نجف اشرف) به چاپ رسیده است. مجمع‌الاجازات به زبان عربی و موضوع آن جمع‌آوری اجازات علما است. این کتاب شامل ۱۲۳ اجازه از مشایخ عظام مذکور است که به مدت چهار سال گردآوری شده است؛ چنانچه در مقدمه کتاب، این مسئله چنین شرح داده شده: «و اما کتاب «مجمع‌الاجازات و منبع‌الافادات» فقد جمع المؤلف فيه نحواً من مائة و ثلاثة و عشرين اجازة من اجازات المشايخ العظام جمعها في اربع سنوات اى خلال سنة ۱۳۲۰هـ الى ۱۳۲۴هـ بالنجف الاشرف و بعد ان ائمه المؤلف استنخه العلامة الكبير الشيخ على بن الشيخ محمدرضا آل كاشف‌الغطاء و بذلك فقد حفظ لنا هذا الكتاب الثمين جزاء الله خير ما يجزى المحسنين»^۱

اثر دیگر نفحات‌الروضات که تلخیصی است از روضات‌الجنت (تألیف میرزا محمدباقر یکی از مجتهدان بزرگ اصفهان و عموی مادر مرحوم محمدباقر الفت) نفحات نیز در نجف نگاشته شده است. ابواب‌الروضات نیز که شامل مقدمه و فهرست جامع و کامل کتاب نفحات است در نجف به رشته تحریر درآمده است. اما در این سال‌ها که سال حضور مرحوم الفت در نجف و کاظمین است اثر دیگری نیز به رشته تحریر درآمده و آن کتاب کشف‌الحجب عن اسامی‌الکتب است. مبنای نگارش این کتاب مطالعه کشف‌الظنون فی اسامی‌الکتب و الفنون مصطفی بن عبدالله معروف به کاتب چلبی یا حاجی خلیفه است (متوفی ۱۰۶۷ق). حاجی خلیفه در این کتاب عناوین ۱۵۰۰۰ کتاب و رساله و نزدیک به ۹۵۰۰ نام مؤلف به همراه سیصد علم و فن را ذکر کرده و دائره‌المعارفی از علوم و فنون اسلامی به دست داده است. مرحوم الفت با رجوع به این کتاب دانست که در

۱. آقا‌التجفی‌الاصفهانی، الشهیر ب «الفت» (۱۴۳۶ق)، ص ۱۵.

کشف‌الظنون به علمای شیعه پرداخته نشده، فلذا همت به تألیف کشف‌الحجب گماشت؛ لیک پس از مدتی چون دید مرحوم ثقه‌الاسلام تبریزی به این کار علاقه و اشتیاق یافته تمامی جزوه‌ها و یادداشت‌های خود را به ثقه‌الاسلام تقدیم کرد.

رویت برخی ناخالصی‌ها در میان طلاب از یک‌سو و جزئی‌نگری وسیع مطرح در علم اصول مرحوم الفت را از نجف به کاظمین کشاند. علاقه به یادگیری زبان‌های خارجه که در نجف، معلمی برای آن یافت نمی‌شد نیز در این تصمیم بی‌تأثیر نبود؛ پس در بغداد که نزدیک کاظمین بود به تعلیم زبان فرانسه نزد معلمی ارمنی مشغول شد.

این رفتار پسر، بر پدر که فرزندش را پژوهشگر علوم دینی می‌خواست، گران آمد پس ماهانه او را قطع کرد و همین سبب بازگشت محمدباقر به اصفهان شد.

قصد بیان زندگی مرحوم الفت را ندارم که در متن این زندگی‌نامه آمده، اما شخصیتی که مرحوم استاد جلال‌الدین همایی در مرگ وی چنین می‌سراید:

الفت چراغ معرفت و تقوی

خاموش شد ز باد اجل ناگاه

قول سلام گفت و به جان بشنید

از قدسیان علیک سلام‌الله

چونان ادیب عارف دانشمند

دیگر شود پدید، معاذالله

وارسته از قیود علایق بود

نه آزمند مال و نه حرص جاه

هم در کمال شعر و قلم چیره
هم از فنون علم و هنر آگاه
در خوی مردمی به مقامی بود
کانجا بجز فرشته نیابد راه
در گفت‌وگو حدیث روان‌بخش
رامش‌فزای بود و ملالت‌کاه
انسان کاملش به لقب خوانم
نه قطب و نه امام و نه شاهنشاه
جستند سال رحلت او از من
جمعی ز دوستان حقیقت‌خواه
باقر چو شد ز جمع برون گفتم:
«از ما برید رشته الفت آه» (۱۳۸۴)
این قطعه را جلال سنا کرده است
از جان و دل هدیه آن درگاه^۱

نیازمند توجه و تحقیق و تکریم است.

سخن من در این بخش، شرحی است از اثر هفت برادر او یا نتیجه دین و دانش‌جویی نوع بشر. این رساله که در کتاب گنج زری بود در این خاکدان^۲ چاپ گردیده، داستان تمثیلی هفت برادر است که در جست‌وجوی تحقیق حقیقت برآمده‌اند و شامل ۱۴ فصل است. هفت برادر، نماینده هفت

۱. تیموری (۱۳۴۳)، ص ۶.

۲. الفت، لاله (۱۳۸۴). گنج زری بود در این خاکدان، اصفهان: نشر نوشته.

روحیه بشری است که هر کدام راه و طریقی در زیست و حیات خود برمی‌گزینند. از میان این هفت تن، نهایت برادر هفتم است که به مدارج عالی و ارتقای حقیقت و منزلت انسانی می‌رسد. هفت برادر که مرحوم الفت به تعبیر خود در پایان کتاب همسفرشان بوده، داستان پر فراز و نشیب زندگی خود الفت است:

«در خاتمه: شما ای خوانندگان گرامی، این داستان را افسانه خوانید؛ زیرا نگارنده‌اش به دوران پنجاه سال از عمر خود با افرادی مجانس با هر یک از آن (هفت برادر) به راهی که می‌رفته‌اند همراه و همسفر بوده به‌راستی (نقد) احوالی را که به (اندازهٔ دانش و بینش خود) دانسته و عین حقیقت یافته به قلم آورده، و زیاده بر این از شرح و توضیح مرام خویش معذور یا ناتوان بوده است؛ «والله سیهدی من یشاء الی صراط مستقیم»^۱»

بنابراین هفت برادر، خود نگاشت‌نامهٔ مرحوم الفت است (یا به تعبیر خود او روحیه‌شناسی یا فلسفهٔ بیوگرافی) از هفت منزل طریقی که در طول حیات خود پیموده و به فرجام رسیده. لاجرم شرح داستان این هفت مرحله نه‌تنها آشنایی با سیر روحانی حیات او، بل آشنایی با حقایقی است که جان‌های آغشته به معرفت و مشروب شده از عرفان و حکمت بدان رسیده‌اند. سالک در این مسیر به واسطهٔ دو گوهر ارجمند دین و دانش معنوی از تقلید به تحقیق می‌رسد؛ و اما خلاصهٔ داستان:

پدری و مادری در یکی از نقاط مجهول عالم که جزیره‌ای بود با مردمانی اندک، می‌زیستند و در حالی که خود را یگانهٔ عالم می‌دانستند از اطراف خود هیچ آگاهی نداشتند. پس در یک زندگی بهیمی صاحب هفت فرزند شده و پس از مدتی نیز بمردند و جهان به فرزندان واگذشتند. پس از

مرگ والدین، پسر اول مهتر خانواده گردید و چون نزد پدر تعلیم یافته بود سعادت را پیروی از راه و رسم او می‌دانست مطلق. این یعنی تقلید کامل از گذشتگان. چون مرگ وی سر رسید، برادر دوم مهتر خانواده گردید. وی که شجاع بود و پاکدل، از آفت زودباوری و کوتاه‌نظری در امان نماند؛ همین امر سبب شد او نیز چون برادر بزرگ‌تر در بند تعالیم گذشته بماند و به عمارت خانه پدری مشغول شود و به تحقیق و تتبع در اطراف و اکناف جزیره یا عالم نپردازد. مرگ او نیز فرا می‌رسد و جان به جان آفرین می‌سپارد.

برادر سوم نیز راه دو برادر را رفت، گرچه بر عمارت پدری افزود و بخش‌های فروریخته آن را عمارت کرد و حتی تصرفات نموده و بر بنا افزود و رفیع و زیبایش ساخت، اما او نیز نهایت بمرد و خانه همان خانه قبل ماند. تردیدی نیست مرحوم الفت تا به اینجا سیر تکامل اندیشه بشری را باز می‌گوید که بر بنیاد آن مراحل اولیه حیات بشری چیزی جز تقلید از آباء نیست؛ همان معنا که در قرآن پیرامونش چنین آمده:

«وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أُولَٰئِكَ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ»^۱

برادر چهارم پاکدل بود و زودباور ولی باهوش و زیرک. پس گرچه خانه پدری را محترم شمرد اما خود را مکلف دانست که به جست‌وجوی خانه‌ای دیگر در جزیره برآید؛ جست‌وجوی بسیار کرد اما کمتر یافت. آنچه از سرمایه و مواد اندوخت تکافوی ساخت بنایی جدید نکرد، پس افسرده و نومید و مأیوس گشت. بنابراین در موقعیتی قرار گرفت که یا باید ادامه می‌داد و می‌یافت، یا رها می‌کرد و می‌رفت. پس به کنکاشی در خود

۱. و چون به آنان گفته شود به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر[ش] بیایید می‌گویند آنچه پدران خود را بر آن یافته‌ایم ما را بس است، آیا هر چند پدرانمان چیزی نمی‌دانسته و هدایت نیافته بودند (مائده، ۱۰۴).

پرداخت و به این نتیجه رسید که دیگر انسی به خانه پدری ندارد، پس قصد رهاکردنش را نمود اما نهیبی در جانش بر او بانگ زد که چه بسیار خانه‌ها دیدی، اما هیچ کدام به استحکام خانه پدرانت ندیدی، پس به همان جا برگرد، برگشت و او نیز پس از مدتی با حفظ میراث گذشتگان در متن همان میراث دفن شد.

برادر پنجم وارث خانواده گردید. وی دارای همتی بلند، چشمی تیزبین، عقلی سلیم و نیرومند در جسم و جان بود. نگاه او به خانه پدری و برادرانش از سر عبرت بود، پس به این نتیجه رسید که خانه‌های جزیره همه از نخست سست‌بنیاد و بی‌اعتبار بوده‌اند و لاجرم هر که در اصلاحش کوشید، راه به جایی نبرد. پس زمینی جدید می‌جوید تا کاخی بلند در آن بسازد. لیک خاک زمین سیال بود و هرچه بر ارتفاع کاخ افزوده می‌شد بنیانش بیشتر در خاک فرو می‌رفت و پس از مدتی کاملاً درهم فرو ریخته و واژگون شد. پس نوبت به برادر ششم رسید، برادری که تمامی رنج‌ها، دردها و تلاش‌های برادران خود را شاهد بود. این نیز نگاهی عبرت‌بین داشت، پس به فکری بکر رسید: خانه ساختن بر زمین و زیر این آسمان و به هر شالوده و بنیاد، اصولاً و اساساً از بنیان، بیهوده و خطاست: «بنابراین مرا چاره نیست و مناسب‌تر از این به حالم نخواهد بود که زمین گسترده را مسکن، آسمان رفیع و پرستاره را طاق و چهارسوی گشاده جهان را در و دیوار خانه خویش پندارم، با رنج سرگردانی و بی‌خانمانی بسازم تا بار صدگونه زحمت بیهوده خانه‌داری را سربار نامایمات زندگانی خود نگردانم.»^۱

روزگار این برادر نیز به سر آمد با انواع زحمت، درد، رنج، درویشی،

بی‌خانمانی، ملایمت و انگشت‌نمایی با این پندار غلط که راه همان است که او می‌پیماید و این گذشت تا روزگارِ برادر هفتم برآمد. برادر هفتم از برادر دوم شجاعت و فداکاری، از برادر سوم ظرافت و کمال‌پرستی، از برادر چهارم تیزهوشی و بردباری، از برادر پنجم غریزهٔ تأسیس و ابتکار، از برادر ششم قریحهٔ بی‌پروایی، دیرباوری و آزادگی را مجموعاً در خود داشت.

پس به کوشش بسیار پرداخت و به غایتی سعادت‌مندانه رسید که: برادرانم همه در این جزیره به جست‌وجوی خود و میراث و غایت خود پرداختند، باید که از جزیره هجرت کرد و دریاها را پیمود تا شاهراهی یافت. باید در متن دریاها به سفر پرداخت و چون دریا قصد غرق کردنش را کرد، کشتی نجاتی پیدا شد و او را به درون خود پناه داد و این غایت داستان هفت برادر بود!

مرحوم الفت پس از بیان تمثیلی این داستان، خود به تفسیر آن می‌پردازد. وی در شرح داستان هفت برادر، اقیانوس را عالم هستی می‌داند که از هر سو بی‌کرانه است و ساکنان انسانی آن در جزیره‌ای دورافتاده در خود اسیرند. برادر اول نماد کسانی است که در بند تقلید گرفتارند و در کار دین یا دنیای خود کورکورانه از دیگران پیروی می‌کنند. برادر دوم در حالی که صفاتی چون پاکدلی، شجاعت، بردباری و پرهیزکاری دارد، اما چنانچه پیش از این گفتیم، زودباور و کوتاه‌نظر است. امثال او در حیات بشر به دنبال اصلاح‌اند، لکن به دلیل صفات منفی خود عاجز و ناتوانند و چه هزینه‌ها که بر بشر حمل نمی‌کنند. مرحوم الفت «نهضت اصلاحی لوتر» را نمادی از صفات برادر دوم می‌داند. برادر سوم نمادی از انسان‌های پرهیزکار است که از جهان مادی اعراض نموده و از جهانیان کناره گرفته و طریقهٔ رهبانیت برگزیده‌اند. برادر چهارم جانی سخت و بردبار دارد، همراه با عقلی دوراندیش و دانش‌های گوناگون اما احوالی متناقض. این برادر نماد

انسان‌هایی است که در بُعدی، هستی را با تمامی جزئیات مورد بحث و غور و تعمق قرار می‌دهند اما هم‌زمان در ابعاد دیگر سست نهاد و بی‌بهره از حقیقت دانش‌اند.

برادر پنجم که دارای اقتدار و عظمت خاص خویش است نماد کسانی است که بنیاد رفیعی برای علم و معرفت بشر بنا گذاشتند اما در متن زمان به محاق رفتند. برادر ششم که دارای شخصیت بزرگ و عجیبی است نماد کسانی است که بسیار متفکرند و از شدت تفکر به حیرت می‌رسند، چون خیام و شوپنهاور و نهایت برادر هفتم، آن که سفر می‌کند و خطر، از مرز دریاها می‌گذرد و به عمق و کنه معرفت می‌رسد و خبر این معارف را بر جان تشنگان وادی ظلمت جزیره می‌رساند. از دیدگاه مرحوم الفت، نماینده کامل این هفتمین برادر مولانا جلال‌الدین محمد رومی (بلخی) است، زیرا شخص دیگری را نمی‌شناسد که زبینه این عنوان باشد.

بنابراین داستان هفت برادر سیر اندیشه بشری است از بدایت تقلید تا نهایت تحقیق. از آدمیان بدوی اهل حس تا عارفان شاهد و کاشف. از گذشته‌گرایان مقلد تا عالمان محقق. شاید مرحوم الفت این فراز از کتاب مناقب/عارفین افلاکی در شرح احوال مولانا را بهانه سرایش داستان هفت برادر کرده بود که فرمود:

«همچنان روزی سلطان‌الخلافا، ینبوع‌الصدق و الصفا چلبی حسام‌الحق و الدین قدس الله سیره العزیز میان اعزه اصحاب چنان روایت کرد که شبی سماع عظیم بود؛ بعد از سماع سینه مبارک شیخ را مغمّزی می‌کردم؛ پرسیدم که حضرت خداوندگار به خدمت شیخ صدرالدین محدث بجدّ عنایت می‌فرماید و رعایت او می‌کند؛ عجباً او درین راه محقق است یا مقلّد؟ فرمود که بحق سینه بی‌کینه من که آئینه سرالله است مقلّدست و الله مقلّدست نسبت به تحقیق شما؛ فرمود که مرد را دو نشان عظیم هست:

یکی شناخت، دوم باخت؛ بعضی را شناخت هست باخت نیست؛ بعضی را باخت هست شناخت نیست؛ خنک جان او را که هر دو را دارد.^۱

در پایان، از تمامی عزیزان گرانقدری که با نگارش مقاله، زمینه تدوین چنین مجموعه شایسته‌ای را در بزرگداشت مرحوم استاد محمدباقر الفت فراهم آوردند، بسیار سپاسگزارم و از خداوند متعال برای روح آن استاد فقید آمرزش و غفران الهی خواستارم.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. آقا النجفی‌الاصفهانی، الشیخ محمدباقر ابن الشیخ محمدتقی الشهیر ب «الفت» (۱۴۳۶ق). مجمع‌الاجازات و منبع‌الافادات (تحقیق مهدی الرضوی)، النجف الاشرف: دارالتراث.
۳. الافلاکی العارفی، شمس‌الدین احمد (۱۳۶۲). مناقب‌العارفین. جلد اول، به کوشش تحسین یازیجی، تهران: دنیای کتاب.
۴. الفت، لاله (۱۳۸۴). گنج زرری بود در این خاکدان. اصفهان: نشر نوشته.
۵. تیموری، مرتضی (۱۳۴۳). یادنامه الفت، اصفهان: چاپ محمدی.

۱. الافلاکی العارفی (۱۳۶۲). جلد اول، ص ۴۷۱.